

رابطه هوش معنوی و دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق

فرناز ابهر زنجانی^{۱*}، رضا دستجردی^۲، محمدحسن غنی فر^۲^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند farnaz.zanjani@yahoo.com^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

چکیده

با توجه به آن که طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی است، شناخت عوامل مؤثر بر آن در بالا بردن سلامت روانی جامعه نقش بهینه‌ای ایفا می‌کند. هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی دلزدگی زناشویی در ارتباط با هوش معنوی بود. ۱۰۴ زن متقاضی طلاق به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. ابزار مورد استفاده این پژوهش پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز و پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران بود. بین تفکر کلی، اعتقادی، اخلاقی و خودآگاهی با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیون، خرده مؤلفه‌های خودآگاهی و اعتقادی برای دلزدگی زناشویی جسمی و خرده مؤلفه‌های خودآگاهی، اخلاقی و اعتقادی برای دلزدگی زناشویی روحی و خرده مؤلفه خود آگاهی برای دلزدگی زناشویی عاطفی پیش‌بینی کننده قوی می‌باشند. از این‌رو، تعهد افراد نسبت به صمیمیت معنوی موجب رضایت روح‌هایشان شده و ایمان و اعتقادات مشترک به آن‌ها این فرصت را می‌دهد تا صمیمیت عمیق‌تری با یکدیگر برقرار ساخته و به ناکامی ناشی از نرسیدن به آرزوهای رویایی زندگی مشترک دچار نشوند.

کلید واژه‌ها: هوش معنوی؛ دلزدگی زناشویی؛ متقاضی طلاق

مقدمه

بسیاری از جوانان، بی آن که به موضوع ازدواج و تشکیل خانواده با دیدگاهی عمیق و به عبارتی سازنده بنگرند، به این قضیه بسیار مهم فقط به عنوان یک جنبه تفریحی نگریسته، در سراب خود ساخته‌ای فرو می‌روند که البته بعد از ازدواج از این پیله که با دست‌ها و ذهن خویش آن را بافته‌اند، آنقدر دچار مشکل می‌شود که سال‌ها فکر و روح‌شان را به خود مشغول می‌کند و چون برای بنیان این خیمه مشترک، برنامه‌ریزی یا آینده‌نگری منطقی و عاقلانه نداشته‌اند، سرانجام آن‌ها را روانه راهی می‌کند که در حقیقت مرگ آمال و آرزوهایشان را رقم خواهد زد (اسدی، ۱۳۸۴).

فلسفه اصلی زندگی مشترک، قرار گرفتن دو نفر در کنار هم برای طی کردن مسیر رشد و کمال در این دنیاست. انسان در صورتی می‌تواند به رشد حقیقی دست پیدا کند که عیب‌های خود را یکی پس از دیگری بر طرف کند. در زندگی مشترک به جهت علاقه‌ای که میان زن و شوهر وجود دارد و ارتباط زیادی که این دو با هم دارند، دو طرف علاوه بر این که می‌توانند در پیدایش عیب‌ها به یکدیگر کمک کنند، در برطرف کردن این عیوب، همیاران خوبی برای هم باشند. البته در صورتی که هر دو طرف انتقاد پذیر باشند و تا جایی که ممکن است انتقادها را به طور غیرمستقیم بیان کنند (عباسی و ولدی، ۱۳۸۵).

کفویت در ایمان و مؤمن بودن داوطلبان ازدواج در این است که هر دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و با وارستگی و شکوفایی وجود، دلشان از هر نوع ناآرامی و ناامنی و تردید آزاد باشد. از این‌رو، توجه به کفویت در ایمان و آرامش دل به یک معنا، ارزشی دوچندان برای هدف مقدس ازدواج قایل شدن است که همانا به فرموده خالق مهربان رسیدن به دل آرامی و آرامش وجود است و خداوند منان آرامش و سکینه خاطر را در قلب‌های مؤمنان قرار داده است (افروز، ۱۳۸۹).

رشد معنوی فرایند دور ریختن باورها و تصورات نادرست و غیرواقعی است و در این فرآیند ما آگاهی و هوشیاری بیشتری نسبت به وجود درونی‌مان پیدا می‌کنیم (عبدالله زاده، ۱۳۸۸). بدیهی است که در صورت عدم وجود آن دزدگی زناشویی که همان از پافتادن از نظر جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌گردد، ایجاد شود (پاینز، ۱۳۸۱).

یکی از عوامل تأثیرگذار در رضایتمندی زناشویی دین و مذهب می‌باشد. براساس مطالعاتی که بر روی ازدواج‌های همسان و ناهمسان از لحاظ مذهبی صورت گرفته، معلوم شده است که بیشتر ازدواج‌های ناهمسان با شکست روبرو شده‌اند و میزان طلاق در اینگونه ازدواج‌ها بیشتر از ازدواج‌های همسان بوده است (نظری، ۱۳۸۶). اعتقادات اصلی مشترک، سنگ بنای روابط صمیمی زوجین است. در چنین شرایطی در زندگی مشترک، پیوندی سه‌گانه خواهند داشت که خداوند یکی از این سه جنبه است و در جنبه دیگر زوجین هستند که آن‌ها را پیوسته در کنار یکدیگر نگه می‌دارد (قیطاسی، ۱۳۸۴) و در صورتی که این پیوند سه‌گانه سست شود، دلبستگی به دزدگی منجر می‌شود. دزدگی از عشق یک روند تدریجی است و به ندرت به تنهایی بروز می‌کند و در شدیدترین نوع آن دزدگی برابر است با فروپاشی (پاینز، ۱۳۸۱) و زمانی ظاهر می‌شود که افراد متوجه می‌شوند با وجود تمام تلاشی که کرده‌اند، این رابطه به زندگی‌شان معنا نداده و هرگز هم نخواهد داشت (پاینز، ۱۳۸۳) و این دزدگی به طلاق منجر می‌شود که برحسب نظر اسمارت، طلاق موجب بازگشت و حل بحران‌های اولیه شخصیت فرد در دوران کودکی می‌گردد (اسمارت، ۱۹۹۷).

از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است می‌توان این چند مورد را نام برد لطفی و سیار، ۱۳۸۷ بیان می‌کند که زندگی با شوق از مشخصه هوش معنوی، بروز کامل عشق در شخصیت فرد و توانایی برای زندگی با شادی و شوق است. نظری (۱۳۸۶) بیان می‌کند که یکی از عوامل تأثیرگذار در رضایتمندی زناشویی دین و مذهب می‌باشد. نتایج افروز (۱۳۸۹) نشان داد که کفویت در ایمان و مؤمن بودن داوطلبان ازدواج در این است که هر دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و با وارستگی و شکوفایی وجود، دلشان از هر نوع نا آرامی و ناامنی و تردید آزاد باشد که با نتایج پژوهش حاضر همسو بود. این پژوهش، علاوه بر موارد ذکر شده در تحقیقات مذکور، دزدگی زناشویی از لحاظ جسمی و روانی و عاطفی با توجه به خرده مؤلفه‌های هوش معنوی در زنان متقاضی طلاق که در بحرانی‌ترین لحظات عمر خود به سر می‌برند بررسی کرده است.

روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

طرح کلی این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد که در زمره تحقیقات توصیفی به شمار می‌روند. برای پژوهش حاضر به صورت تصادفی ۱۰۴ نفر از زنان متقاضی طلاق انتخاب شده‌اند که میانگین سنی آنان از ۱۴ تا ۶۰ سال بوده است. سن زمان ازدواج در ۸۵/۵ درصد آنان بین ۱۴ تا ۲۵ سال و تحصیلاتشان بین دیپلم تا فوق لیسانس که ۶۰/۵۶ درصد آنان تحصیلات همسرشان از سیکل تا دیپلم بوده است و ۸۵/۶ درصد این زنان، خانه‌دار و بدون درآمد یا باحداقل درآمد و همسر آنان دارای شغل آزاد و دارای درآمد مکفی می‌باشند که در ۷۰ درصد موارد علت طلاق همسر خود را رسیدن به آرزوهای رویایی و علت درخواست طلاق خود را اعتیاد همسر و خیانت همسر و مشکلات اخلاقی وی را مطرح می‌نمایند. پژوهش در دادگاه قضایی شهید مطهری مشهد مقدس اجرا شد و پرسشنامه‌ها بعد از جلب رضایت متقاضیان طلاق محرمانه در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شد قبل از پر کردن پرسشنامه‌ها به آن‌ها اطمینان داده می‌شد که کلیه اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد بود؛ بنابراین نیازی به نوشتن اطلاعات شخصی نمی‌باشد.

ابزار

پرسشنامه ۲۱ سوالی پاینز (۱۹۹۸): این مقیاس شامل ۳ جزء اصلی از پا در افتادگی جسمی، از پا افتادگی عاطفی، از پا در افتادگی روانی است. تمام این موارد روی یک طیف هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شود (۱ = هرگز تا ۷ = همیشه) این طیف نمره درجه دزدگی زناشویی فرد را نشان می‌دهد. تداوم درونی برای اغلب شرکت کنندگان با ضریب ثابت آلفا سنجیده شده که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بوده است (پاینز، ۱۳۸۱). در ایران نیز نوید در سال ۱۳۸۴، آلفای کرونباخ این پرسشنامه را اندازه‌گیری کرد که ۸۶ درصد گزارش شده است. در این پژوهش برای برآورد ضریب اعتبار از طریق اعتبار ثبات درونی ضرایب آلفای محاسبه شده برای زیرمقیاس‌های دزدگی زناشویی و دزدگی زناشویی کلی به ترتیب، از پا افتادن جسمانی ۰/۸۲، از پا افتادن عاطفی ۰/۷۴، از پا افتادن روانی ۰/۷۸ و از پا افتادن کلی ۰/۶۵ به دست آمده است.

پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹): پرسشنامه ۴۲ ماده‌ای هوش معنوی دارای ۴ عامل می‌باشد؛ بنابراین عامل اول به عنوان «تفکر کلی و بعد اعتقادی» عامل دوم به عنوان «توانایی مقابله و تعامل با مشکلات» نامگذاری گردید. عامل سوم به عنوان «پرداختن به سجایای اخلاقی» عامل چهارم به عنوان «خودآگاهی و عشق و علاقه» نامگذاری گردید. به منظور نمره‌گذاری این مقیاس ۴۲ ماده‌ای برای هریک از پنج گزینه «کاملاً موافق»، «موافق»، «تا حدودی»، «مخالف»، «کاملاً مخالف» به ترتیب مقادیر ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ در نظر گرفته شد.

برای تعیین اعتبار پرسشنامه هوش معنوی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۷۸ می‌باشد که بیانگر اعتبار قابل قبول پرسشنامه یاد شده است. در این پژوهش برای برآورد ضریب اعتبار از طریق اعتبار ثبات درونی ضرایب آلفای محاسبه شده برای بعد اعتقادی، ۰/۸۸/۴، بعد توانایی مقابله با مشکلات ۰/۷۹، بعد اخلاقی ۰/۶۴/۶ و بعد خود آگاهی ۰/۷۷/۸ به دست آمده است.

شیوه اجرا

برای پژوهش حاضر با اجرای پرسشنامه دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۸) و پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹) بعد از هماهنگی‌های لازم با معاون دادگستری استان خراسان رضوی و مجتمع قضایی شهید مطهری مشهد مقدس توضیحات لازم در زمینه مورد پژوهش و این که هدف پژوهشگر کمک به رفاه و بهبود روابط خانوادگی می‌باشد انجام گرفته است و از بین زنان متقاضی طلاق، ۱۰۴ نفر که تمایل به همکاری داشته‌اند به طور تصادفی انتخاب کرده و پرسشنامه‌ها در اختیارشان قرار داده می‌شد. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار spss16 از راه همبستگی پیرسون T دو گروه مستقل برای آمار توصیفی و t تست و رگرسیون گام به گام برای آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

نتایج

جدول ۱. بررسی رابطه مولفه‌های هوش معنوی و دزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق

| هوش معنوی | خودآگاهی | اخلاقی | اعتقادی | تفکر کلی | عاطفی | روانی | جسمی | دزدگی | |
|-----------|----------|---------|---------|----------|---------|---------|---------|---------|--------------------|
| | | | | | | | | ۱ | دزدگی |
| | | | | | | | ۱ | **۰/۸۵۳ | جسمی |
| | | | | | | ۱ | **۰/۸۱۳ | **۰/۹۲۱ | روانی |
| | | | | | ۱ | **۰/۶۲۳ | **۰/۵۷۲ | **۰/۷۳۳ | عاطفی |
| | | | | ۱ | **۰/۳۶۶ | **۰/۶۲۰ | **۰/۷۱۷ | **۰/۲۸۹ | تفکر کلی و اعتقادی |
| | | | ۱ | **۰/۲۲۴ | **۰/۳۳۸ | **۰/۲۲۱ | **۰/۰۸ | **۰/۴۹۶ | توانایی مقابله |
| | | ۱ | -۰/۰۳۱ | **۰/۳۱۹ | -۰/۰۵۶ | **۰/۶۰۷ | -۰/۰۸۴ | -۰/۰۹۴ | اخلاقی |
| | ۱ | **۰/۲۷۷ | **۰/۲۶۴ | **۰/۵۶۷ | **۰/۷۸۲ | **۰/۷۹۶ | **۰/۷۷۷ | **۰/۴۰۳ | خودآگاهی |
| ۱ | **۰/۵۷۸ | **۰/۵۴۱ | **۰/۴۲۰ | **۰/۶۵۵ | -۰/۱۲۲ | -۰/۰۱۴ | -۰/۰۷۴ | -۰/۰۳۶ | هوش معنوی |
| **۰/۹۴۹ | **۰/۴۰۴ | -۰/۰۳۸ | **۰/۴۹۳ | **۰/۳۷۳ | **۰/۸۰۷ | **۰/۹۳۶ | **۰/۹۰۰ | **۰/۹۴۹ | دزدگی |
| ۲۴/۳۱ | ۲۱/۰۶ | ۲۶/۶ | ۲۵/۱ | ۱۹/۶ | ۲۵/۴ | ۲۵/۳۶ | ۲۵/۷۱ | ۲۴/۳۱ | M |
| ۳/۹۶ | ۶/۷ | ۶/۱ | ۶/۴ | ۶/۲ | ۷/۰ | ۵/۷ | ۶/۲۴ | ۳/۹۶ | (SD) |

*p<۰/۰۵

**p<۰/۰۱

ضرایب رگرسیون گام به گام دلزدگی جسمی:

تفکر کلی و اعتقادی: $(\beta = -.0/389)$ ، $(t = -3/679)$ و $(p < .0/01)$ و خودآگاهی: $(\beta = -.0/518)$ ، $(t = -5/273)$ و $(p < .0/01)$.

ضرایب رگرسیون گام به گام دلزدگی روحی و روانی:

تفکر کلی و اعتقادی: $(\beta = -.0/588)$ ، $(t = -6/416)$ و $(p < .0/05)$ و اخلاقی: $(\beta = .0/667)$ ، $(t = -7/574)$ و $(p < .0/01)$ و خود آگاهی: $(\beta = .0/548)$ ، $(t = -5/48)$ و $(p < .0/01)$.

ضرایب رگرسیون گام به گام دلزدگی عاطفی: خودآگاهی: $(\beta = -.0/548)$ ، $(t = -5/707)$ و $(p < .0/01)$.

بحث

هدف پژوهش حاضر تدوین الگوی دلزدگی زناشویی در ارتباط با هوش معنوی است همانطور که از نتایج برآورد می‌شود، بین تفکر کلی، اعتقادی، اخلاقی و خودآگاهی با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد و نتایج نشان می‌دهد خودآگاهی و اعتقادی به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کننده قوی برای دلزدگی زناشویی جسمی و خود آگاهی، اخلاقی و اعتقادی به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی روحی و خودآگاهی به صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی عاطفی باشند و بقیه متغیرها نیز در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی نقش معناداری نداشته‌اند.

همانطور که در نتیجه پژوهش مشهود است، خرده مؤلفه خودآگاهی و عشق و علاقه در ایجاد دلزدگی جسمی و روانی و عاطفی نقش بسزایی دارد و نداشتن سجایای اخلاقی موجب آزدگی روح و روان و نداشتن اعتقاد به نیروی لاینحل ایزد تعالی که گشاینده مشکلات و مسایل زندگی است، ایجاد خستگی جسمی و ایجاد بیماری‌هایی جسمی بدون علت پزشکی و فیزیولوژیکی می‌شود.

با توجه به آنکه جامعه آماری پژوهش حاضر، دادگاه خانواده بوده است، خشمگینی و عصبانیت زوجین مادام جدایی یا مانع از همکاری لازم و همچنین داشتن تمرکز برای دادن پاسخ صحیح می‌شد یا اصلاً حاضر به همکاری و مصاحبه نبودند و این شرایط نمونه‌گیری پژوهش را سخت کرده است و پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در آتی علت دلزدگی زناشویی را با توجه به هوش معنوی در مقایسه زن و مرد و همچنین علت آسیب‌های خانمان سوز از جمله اعتیاد و خیانت به همسر که از عوامل طلاق می‌باشند را در رابطه با هوش معنوی بررسی کنند.

منابع

پاینز، آ. (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد، ۱۳۸۱. تهران: شاداب.

نظری، ع. (۱۳۹۰). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی، ۹.

افروز، غ. ع (۱۳۸۹). روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری. تهران: دانشگاه تهران.

پاینز، دلزدگی از روابط زناشویی. (۱۳۸۳). ترجمه گوهری راد و افشار.

اسدی، س. ا. (۱۳۸۴). پیوندهای گسسته، روان‌شناسی طلاق.